

محدثان و

علمای اسلامی (ر)

(تا پایان قرن چهارم)



* محمد حاجی تقی*



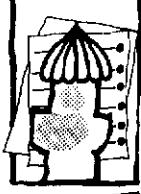
درباره، روش و موضوع تحقیق

تعداد محدثان، عالمان و فقهای مذهبی در یک منطقه، نشان از میزان شیوع آن آئین در آنجا دارد. بدین جهت، احصا و معرفی عالمان مذهبی، یکی از شیوه‌های نشان دادن سیر تکوین و تکامل و گسترش مذاهب مختلف در هر منطقه است.

فقر متابع و مستندات تاریخی مربوط به قرون اوکیه اسلامی، بویژه درباره تاریخ تشیع، سبب گردیده است که احصا و معرفی محدثان و عالمان این فرقه در مناطق مختلف سرزمین‌های اسلامی، از مناسب‌ترین روشهای تحقیقی در نشان دادن سیر تاریخی تکوین و گسترش و میزان پراکندگی و نفوذ مذهب امامیه در آن مناطق و نهایتاً سرزمین‌های خلافت باشد.

در این مقاله، سعی گردیده تا با این روش، به روشن شدن سیر تکوین و گسترش مذهب امامیه در قرون اوّل تا چهارم هجری در شهر ری - که یکی از محدود شهرهای بزرگ، ثروتمند و آباد سرزمین‌های اسلامی بوده - پرداخته شود. بدین منظور، ابتدا به

* کارشناس ارشد تاریخ.



معرفی اجمالی شهر و سپس فقهاء، محدثان و روایان احادیث ائمه اثنا عشری آن و نهایتاً به نتیجه گیری در دو محور و با توجه به مستندات تاریخی می‌پردازیم:

- ۱) روند تکوین و کسرش تشیع امامیه در شهر ری، با تکیه بر شمار محدثان و عالمان در قرون مورد تحقیق؛
- ۲) بررسی میزان اعتبار عقیدتی و علمی و التزام محدثان و عالمان قمی به مذهب امامیه.

*.

ری (رگا) یکی از کهن ترین مراکز باستانی ایران است که نامش در آوستا و کتبه پیستون (قرن ششم قبل از میلاد) آمده است.^۱ در دوره فتوحات مسلمین، این شهر به سال ۲۳ قمری^۲ (وبه قولی ۲۰ قمری^۳)، توسط اعراب فتح گردید. در دوران خلافت منصور دوانیقی، مهدی عباسی در کثار ری قدیم، شهری بنا کرد و برای آن، مسجد جامع ساخت و بر دور آن، خندق حفر کرد و آن را «محمدیه» نامید (سال ۱۸۵ق).

در کثر از نیم قرن، محمدیه، محلی ری قدیم را گرفت^۴ و لی ری، هیچ زمان به محمدیه مشهور نشد و این اسم رایج نگردید.

موقعیت ژئولوژیک ری که مسیر ارتباطی تمدن‌های شرق و غرب از آن می‌گذشت و چهار راه ارتباطی سرزمین‌های خلافت بود^۵ سبب رونق تجارت، انباشت ثروت و آبادانی این شهر گردیده بود. عباراتی که جغرافی دانان اسلامی در توصیف شکوه و عظمت این شهر آورده‌اند، می‌تواند بیان کننده موقعیت و میزان اهمیت این شهر در دوره

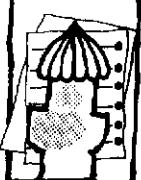
۱. فرهنگ فارسی، محمد معین، چاپ هشتم، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ذیل «ری».

۲. تاریخ یعقوبی، ابن واصل یعقوبی، چاپ پنجم، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۶.

۳. فتوح البلدان، بلادری، ترجمه: محمد توکل، چاپ اوّل، نقره، ص ۴۴۵.

۴. همان، ص ۴۴۹.

۵. مختصر کتاب البلدان، ابن فقيه، افسٰت از طبع لیدن، دارصادر، بیروت، ۱۳۰۲ق، ص ۲۷۱-۲۷۰.



اسلامی باشد. از جمله توصیفاتی که از ری شده، اینهاست:

عروس شهرها^۶

آبادترین، پر نعمت‌ترین و پر عمارت‌ترین شهر مشرق، بزرگترین شهر مشرق^۷

بعد از نیشابور،^۸

دارای کاروانسراهای نیکو و بازارهای بزرگ،^۹

دارای خیابانهای پهن،^{۱۰}

دارای گرمابه‌های تمیز، مدارس و کتابخانه‌های پرآوازه، میوه‌های بسیار،

تجارتی پر سود، آب فراوان و هوای خوش.^{۱۱}

به علاوه، میزان خراجی که اهالی ری در دوره خلافت عباسی می‌پرداختند (ده تا

دوازده میلیون درهم) در مقایسه با خراجی که اهالی نیشابور، بزرگترین شهر مشرق

خلافت می‌پرداختند (چهار میلیون درهم)^{۱۲} خود، نشان دهنده ری ثروتمند و آباد است.

بناهای ری، اغلب گلی بوده و در آنها از گچ و سنگ، به ندرت استفاده می‌شده^{۱۳} و

و سعی آن، یک فرسنگ‌زی نیم دریک فرسنگ و نیم بوده است.^{۱۴}

ابن فقیه، ری را دارای هفده رستاق (روستا) می‌داند که از آنها بند: خوار، دنباند،

ویمه و شلنبه. وی اضافه می‌کند که اینها رساتیقی هستند که در آنها منبر (که نشانی از

۶. احسن التقاضیم فی معرفة الاقالیم، مقدّسی، ترجمة: علینقی مژوی، چاپ اول، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ش، ج ۲، ص ۵۷۵.

۷. مسالک و ممالک، اصطخری، به اهتمام: ایرج افشار، چاپ سوم، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۶-۱۶۷.

۸. احسن التقاضیم، ج ۲، ص ۵۸۲-۵۸۳.

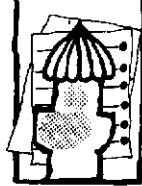
۹. المسالک و الممالک، ابن خردادبه، ترجمة: حسین قره جانلو، چاپ اول، نشر نو، ۱۳۷۰، ص ۱۴۷.

۱۰. احسن التقاضیم، ج ۲، ص ۵۸۲-۵۸۳.

۱۱. فتوح البلدان، ص ۴۵؛ المسالک والممالک، ابن خردادبه، ص ۲۸.

۱۲. صورة الأرض، ابن حوقل، الطبعة الثانية، دار صادر، بيروت، ص ۳۷۱.

۱۳. مسالک و ممالک، ص ۱۶۷.



و سعت و جمعیّت زیاد آنها بوده) وجود دارد.^{۱۴}

اصطخری نوشت:

و در ناحیت ری، دیه هاست، بزرگتر از این شهرها، چون: ورامین و اربنیه و رزنین و دزا و قوسین. شنوده ام که در هر دهی از این، قرب ده هزار مرد^[۱]، بلکه زیادت بود و روستاهای قصران بن درونی و بیرونی و بهزان و السن و بسا و دماوند و کها و مرکوی.^{۱۵}

دیگر قریه های ری عبارت بوده اند: دولاب، دوریست، کرج،^{۱۶} کلین فشاپویه،^{۱۷} جاموران، تهران،^{۱۸} شهرستانک، مهران^{۱۹} و ...

محمدثان و علمای امامی ری

اما محمدثان و علمای امامی ری تا پایان قرن چهارم به ترتیب حروف الفبای نامشان، به شرح زیر هستند:

۱. ابراهیم بن علی بن عیسیٰ رازی (ق^۴): ابن بابویه در «تاریخ ری» از او نام می برد و می گوید: وی از شیوخ شیعه بوده که از احمد بن محمد بن یحییٰ عطار روایت می کند و ابوالفتح عبیدالله بن موسی بن احمد حسینی و جعفر بن محمد یونسی، از او روایت می کنند.^{۲۰}

۱۴. مختصر کتاب البلدان، ص ۲۷۴.

۱۵. مسالک و معالک، ص ۱۷۱.

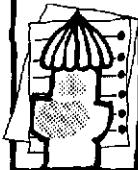
۱۶. معجم البلدان، یاقوت حموی، تحقیق: فرید عبدالعزیز الجندي، دارالكتب العلمية، ج ۲، ص ۵۰۶، ۵۵۰ و ۵۵۱.

۱۷. تصحیح العلماء، محمد تنکابنی، چاپ دوم، علمیه اسلامیه، ۱۳۶۴، ص ۳۹۷-۳۹۶.

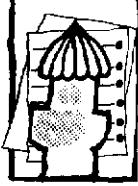
۱۸. معجم البلدان، ج ۴، ص ۵۹-۵۸.

۱۹. ری باستان، حسین کریمان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۷۶ و ۶۲۶.

۲۰. لسان المیزان، ابن حجر العسقلانی، حققه وعلق علیه: محمد عبدالرحمان المرعشلی، الطبعة الاولى، داراحیاء التراث العربي، بیروت، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۱۲۴.



۲. ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن عبدالله رازی (ق۳) : وی از نظر نقل حدیث، مجھول و از سلسله روایت شیخ طوسی است.^{۲۱}
۳. ابن ابی یحیی / ابو یحیی رازی (ق۲) : وی در نقل حدیث، مجھول و از اصحاب امام صادق(ع) است.^{۲۲}
۴. ابواسماعیل صیقل رازی (ق۲) : وی مجھول و از اصحاب امام صادق(ع) است.^{۲۳}
۵. ابوبکر رازی (ق۲) : مجھول و از اصحاب امام هادی(ع) است.^{۲۴}
۶. ابوالحسن رازی (ق۲و۳) : جعفر بن معروف، از او و او از اسماعیل بن مهران روایت می کند.^{۲۵}
۷. ابوحسین رازی (ق۳) : مجھول و از اصحاب امام رضا(ع) است.^{۲۶}
۸. ابوطبیب رازی (ق۴) : وی در نقل حدیث، ممدوح و از جمله متکلمان امامیه است و کتابهای متعددی در امامت، فقه و نیز در اخبار نگاشته است.^{۲۷} کتاب «زيارة
۹. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن الطوسي، صحّه و علق علیه: سید حسن الغرسان، الطبعة الثالثة، دارالاضواء، بيروت، ج ۶، خ ۴، ص ۴۷۰ تأثیر علوم زرده
۱۰. الكافی، محمد بن یعقوب الكلینی، صحّه و علق علیه: علی اکبر الغفاری، دارالاضواء، بيروت، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۱۵۹؛ جامع الرؤا، الأردبیلی، منشورات مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، ج ۲، ص ۴۲۹.
۱۱. الكافی، ج ۲، ص ۱۴؛ معجم رجال الحديث، ابوالقاسم الخوئی، الطبعة الثالثة، بيروت، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱، ص ۲۵۲۴.
۱۲. مستند امام الهادی(ع)، عزیزالله العطاردی، المؤتمر العالمی للامام الرضا(ع)، ۱۴۱۰ق، ص ۳۱۲.
۱۳. معجم رجال الحديث، ج ۲۲، ص ۱۲۳.
۱۴. التهذیب، محمد بن حسن الطوسي، ج ۶، ص ۱۷۱؛ مستند امام الرضا(ع)، عزیزالله العطاردی، منشورات المؤتمر العالمی للامام الرضا(ع)، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۱۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۱۲۷.
۱۵. الفهرست، محمد بن حسن الطوسي، منشورات الشریف الرضی، قم، ص ۱۹۰؛ رجال ابن داود، منشورات جامعه طهران، ۱۳۴۲ش، ص ۴۰۱؛ رجال العلامه الحلى، صحّه: السید محمد صادق بحرالعلوم، الطبعة الثانية، منشورات المطبعة الحیدریة، النجف، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م، ص ۱۸۸.



الرضاع) وفضله و معجزاته» از اوست.^{۲۸}

۹. ابو عبدالله جامورانی رازی(ق۳) : وی در نقل حدیث، ضعیف است. نجاشی می گوید که در عقیده اش ارتفاع است.^{۲۹} قمی ها کتاب «نواذر الحکمة» اش را استثنای دانسته و قبول کرده اند.^{۳۰}

۱۰. ابو محمد رازی (ق۳) : مجھول و از سلسله روایت کلینی و شیخ طوسی است.^{۳۱} عطاردی او را از اصحاب امام هادی(ع) معرفی کرده است.^{۳۲}

۱۱. ابو هلال /ابن هلال رازی (ق۲) : مجھول و از اصحاب امام صادق(ع)^{۳۳} است.

۱۲. ابو یحیی ابن ابی یحیی رازی (ق۲) : مجھول و از اصحاب امام صادق(ع)^{۳۴} است.

۱۳. احمد بن ابراهیم کلبی (ق۳ و ۴) : حسن^{۳۵} و معروف به علان کلینی و از مددوحین^{۳۶} و



۲۸. الفهرست، الطوسی، ص ۱۹۰.

۲۹. رجال الطوسی، منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م، ص ۵۱۹؛ رجال ابن داود، ص ۴۹۸ و ۵۶۸؛ رجال العلامة، ص ۲۶۸.

۳۰. فهرست اسماء مصنفو الشیعة (رجال النجاشی)، محمد بن علی النجاشی، منشورات جماعة المدرسين بقم المشترفة، ص ۴۵۶؛ مجمع الرجال، القهائی (کوهپایی اصفهانی)، صحّحه و علق علیه: السيد ضیاء الدین العلامة، اصفهان، سنة ۱۳۸۴ق، ج ۱، ص ۱۲۹؛ رجال العلامة، ص ۲۵۶.

۳۱. الكافی، ج ۱، ص ۱۱.

۳۲. مستند الامام الهادی(ع)، عزیز الله العطاردی، ص ۳۱۷.

۳۳. الكافی، ج ۶، ص ۱۲۹؛ اعیان الشیعة، السيد محسن الامین، حقّقه و اخرجه: حسن امین، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۴۱؛ مجمع رجال الحديث، ج ۲۲، ص ۷۹۷۸.

۳۴. همان، ص ۲۳؛ اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۴۵؛ مجمع رجال الحديث، ج ۲۲، ص ۸۴.

۳۵. تقطیع المقال، المامقانی، چاپ سنگی، ۱۳۴۹ق، ج ۱، ص ۸.

۳۶. رجال ابن داود، ص ۲۳.

فضلان و افراد نیک^{۳۷} و اهل دین (امامیه) است.^{۳۸}

۱۴. احمد بن اسحاق رازی (ق^۳) : ثقه و از وکلای امام هادی(ع) و از مختصین به

ناحیه مقدسه بوده است.^{۳۹}

۱۵. ابو علی احمد بن حسن رازی (ق^۴) : حسن^{۴۰} و از مددوحین امامیه است.^{۴۱}

تلعکبری با اجازه از او روایت می کند.^{۴۲}

۱۶. ابو علی احمد بن علی بن ابراهیم بن هاشم بن خلیل قمی (ق^۴) : مددوح و ساکن ری بوده است. او از بزرگان شیعه^{۴۳} و از مشایخ مشهور شیعه صدوق است که صدوق برای او طلب رحمت کرده است. ^{۴۴} ابن بابویه در «تاریخ ری» از او یاد کرده و گفته است : «از پدرش و سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن ادريس و ... استماع حدیث کرد» و صدوق از او روایت می کند.^{۴۵}

۱۷. ابوالعباس احمد بن علی خصیب ایادی رازی (ق^۴) : غالی است.^{۴۶} حدیث او سالم و ناسالم دارد و در مذهب او ارتفاع است.^{۴۷} او صاحب کتابهایی است، از جمله : «الشفاء و الجلاء فی الغيبة» (که شیخ طوسی آن را تحسین می کند)،^{۴۸} «الفرائض»

مرحیقت کامتوز علوم رساله

. ۳۷. رجال الطوسي، ص ۴۳۸؛ جامع الرواية، ج ۱، ص ۴۰.

. ۳۸. رجال العلامة، ص ۱۸.

. ۳۹. رجال الطوسي، ص ۴۱۰؛ رجال ابن داود، ص ۲۳؛ رجال العلامة، ص ۱۴؛ مستند الامام الهادی(ع)، عزیزالله العطاردی، ص ۳۲۰.

. ۴۰. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۸.

. ۴۱. الرجال، الطوسي، ص ۴۴۴؛ الرجال، ابن داود، ص ۲۵.

. ۴۲. الرجال، الطوسي، ص ۴۴۴.

. ۴۳. لسان المیزان، ابن حجر، ج ۱، ص ۳۵۲.

. ۴۴. معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۱۶۴.

. ۴۵. لسان المیزان، ج ۱۰، ص ۳۵۲.

. ۴۶. الرجال، الطوسي، ص ۴۵۵.

. ۴۷. رجال النجاشی، ص ۹۶، رجال ابن داود، ص ۳۸۷ و ۴۲۰؛ مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۲۶.

. ۴۸. الفهرست، الطوسي، ص ۳۰.

١٨. احمد بن محمد بن نصر رازی سمسار (ق٤)؛ ابن بابویه در «تاریخ ری» از او یاد کرده و می‌گوید که از بزرگان و شیوخ امامیه است. علی بن محمد قمی از او و وی از جعفر بن حسن بن شهریار قمی روایت می‌کند.^{٥٠}
١٩. احمد بن محمد بن هشیم عجلی (ق٤)؛ ثقه و از مشایخ صدوق است که صدوق از او راضی است.^{٥١}
٢٠. آئین رازی (ق٢)؛ امامی، مجہول^{٥٢} و از اصحاب امام باقر(ع) است.^{٥٣}
٢١. بکرین صالح رازی (ق٢)؛ ضعیف^{٥٤} و از اصحاب امام کاظم^{٥٥} و امام رضا(ع) است.^{٥٦} ابن داود، یک بار او را توثیق^{٥٧} و دوبار تضعیف می‌کند؛ اماً دیگر رجالیان، او را بسیار ضعیف معرفی می‌کنند.^{٥٨} از تالیفات اوست: «کتاب فی درجات الایمان و وجوه الكفر والاستئثار»^{٥٩}، «الجهاد» و «النوادر».^{٦٠}
٢٢. ابو عبدالله جعفر بن احمد وندک رازی (ق٤)؛ حسن^{٦١} و از متکلمان و محدثان

٤٩. رجال التجاشی، ص ٩٦ ، الفهرست، الطوسي، يص ٣٣٦؛ رجال العلامة، ص ٣٠٨.

٥٠. لسان المیزان، ابن حجر، ج ١، ص ٤٦١.

٥١. معجم رجال الحديث، الخوئی، ج ٢، ص ٣٢٣.

٥٢. تنقیح المقال، ج ١، ص ١٧.

٥٣. رجال الطوسي، ص ١٠٧.

٥٤. تنقیح المقال، ج ١، ص ٢١.

٥٥. رجال التجاشی، ص ١٠٩؛ رجال العلامة، ص ٢٠٧.

٥٦. رجال الطوسي، ص ٣٧٠؛ رجال البرقی، منتشرات جامعة طهران، ١٣٤٢ش، ص ٥٥.

٥٧. رجال ابن داود، ص ٧٢.

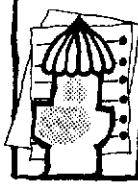
٥٨. همان، ص ٥٤٣-٥٣٢.

٥٩. رجال التجاشی، ص ١٠٩؛ مجمع الرجال، ص ٢٧٤، رجال العلامة، ص ٢٠٧.

٦٠. الفهرست، الطوسي، ص ٣٩.

٦١. رجال التجاشی، ص ١٠٩.

٦٢. تنقیح المقال، ج ١، ص ٢٦.



امامیه و صاحب «كتاب فی الامامة» است که كتاب مشهوری بوده است.^{۶۳}

۲۳. جعفر بن محمد بن ابی زید / ابی یزید (ق۲) : مهمل^{۶۴} و از اصحاب امام رضا(ع) است و محمد بن عیسی از او روایت می کند.^{۶۵}

۲۴. ابو محمد جعفر بن یحیی بن علاء رازی (ق۲) : ثقه و پدرش از اصحاب امام صادق(ع) است. كتاب وی با كتاب پدرش درآمیخته و معلوم نشده که از کدام است.^{۶۶}

۲۵. ابو محمد حسن بن احمد بن محمد بن هیثم عجلی (ق۴) : ثقه و از بزرگان اصحاب امامیه است و پدر و جدش نیز از ثقات هستند و هر سه اهل ری بوده اند؛ اما وی، او اخر عمرش را در کوفه سکنا گزیده^{۶۷} از کتابهای او «المثانی» و «الجامع» را می توان نام برد.^{۶۸}

۲۶. حسن بن جهم رازی (ق۲) : ثقه^{۶۹} و از اصحاب امام کاظم(ع) است.^{۷۰}

۲۷. حسن بن عباس بن حریش رازی (ق۳) : ضعیف و از اصحاب امام جواد(ع) است.^{۷۱} وی صاحب كتاب «ثواب قراءة آن آنزلناه فی ليلة القدر» است که به گفته شیخ طوسی، كتابی با الفاظ فاسد و مضطرب است.^{۷۲}

۲۸. حسن بن عبدالله رازی تمیمی (ق۲) : متفقی، نیک^{۷۳} و از اصحاب امام رضا(ع)

. ۶۳. رجال التجاشی، ص۱۲۳؛ تنقیح المقال، ج۱، ص۲۱۳.

. ۶۴. تنقیح المقال، ج۱، ص۲۷.

. ۶۵. اعیان الشیعة، ج۴، ص۱۵۰؛ معجم رجال الحديث، ج۴، ص۱۰۲-۱۰۳.

. ۶۶. رجال التجاشی، ص۱۲۶؛ رجال ابن داود، ص۹۰؛ رجال العلامة، ص۳۳.

. ۶۷. همان، ص۶۵؛ رجال ابن داود، ص۱۰۳؛ رجال العلامة، ص۴۴.

. ۶۸. همان، ص۶۵.

. ۶۹. تنقیح المقال، ج۱، ص۳۰.

. ۷۰. رجال البرقی، ص۵۲.

. ۷۱. رجال الطوسي، ص۴۰؛ رجال التجاشی، ص۶۰؛ مجمع الرجال، ج۲، ص۱۸۸؛ رجال العلامة، ص۲۱۴؛ رجال ابن داود، ص۴۴.

. ۷۲. الفهرست، الطوسي، ص۵۳.

. ۷۳. جامع الرواية، ج۱، ص۲۵۳.

است. ٧٤

٢٩. حسن بن علی خیاط رازی (ق) : حسن^{٧٥} و از فضلا و مددوین است. ٧٦
٣٠. حسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام مؤذب رازی (ق٤) : حسن^{٧٧} و از مشایخ شیخ صدوق است که صدوق از او راضی است و بر او رحمت می فرستد. ٧٨
٣١. حسین بن جهم رازی (ق٢) : ثقه^{٧٩} و از اصحاب امام رضا(ع) است. ٨٠
٣٢. ابو عبدالله حسین بن حسن حسینی اسود رازی (ق٢ و ٣) : حسن^{٨١} و از فضلا و مددوین است. ٨٢

٣٣. حسین بن محمد أشنانی رازی (ق٤) : ثقه^{٨٣} و از اساتید شیخ صدوق است. ٨٤

٣٤. حسین بن محمد رازی (ق٢ و ٣) : ثقه^{٨٥} ، عادل و از اصحاب امام کاظم^{٨٦} و امام هادی(ع) بوده است. ٨٧

٣٥. حسین بن یزید نویلی (ق٢) : از اصحاب امام رضا(ع) است. وی شاعر و ادیب

٧٤. مسند الامام الرضا(ع)، ج ٢، ص ١٥٢٥ جامع الرواۃ، ج ١، ص ٢٠٦.

٧٥. تتفیع المقال، ج ١، ص ٣٧.

٧٦. رجال الطوسي، ص ٤٦٢؛ رجال ابن داود، ص ١١.

٧٧. تتفیع المقال، ج ١، ص ٣١٥.

٧٨. علل الشرائع، محمد بن علی الصدوق، قدم له: السيد محمد صادق بحر العلوم، منشورات المکتبة الحیدریة، النجف، ١٣٨٥، ص ٦٩.

٧٩. تتفیع المقال، ج ١، ص ٣٩.

٨٠. رجال الطوسي، ص ٣٧٣.

٨١. تتفیع المقال، ج ١، ص ٤٠.

٨٢. رجال الطوسي، ص ٤٦٢؛ رجال ابن داود، ص ١٠٤.

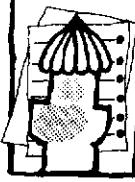
٨٣. تتفیع المقال، ج ١، ص ٤١.

٨٤. معجم رجال الحديث، ج ٦، ص ٧٤.

٨٥. تتفیع المقال، ج ١، ص ٤١.

٨٦. مسند الامام کاظم(ع)، عزیز الله العطاردی، الطبعة الاولى، منشورات المؤتمر العالمي للامام الرضا(ع)، ١٤٠٩ق، ج ٣، ص ٣٦٦.

٨٧. مسند الامام الصادق(ع)، الكفافی، منشورات مطبعة الأدب، ١٣٨٠ق / ١٩٦١م، ص ٣٣٣.



و تمام عمر خود را ساکن ری بوده و همان جا مدفون گردیده است. عده‌ای از قمی‌ها می‌گویند که وی در آخر عمرش غالی شد؛ ولی روایتی از او که بر این مطلب گواه باشد، وجود ندارد. کتابهای اوست: «التحقیة» و «السنّة». ^{۸۸}

۳۶. رازی (ق ۳) : ثقه ^{۸۹} و ممدوح است. ^{۹۰} امام حسن عسکری (ع) در توقیعی برای اسحاق بن اسماعیل نیشابوری می‌نویسد که حقوق ما را به ابراهیم بن عبده بده تا او به رازی بدهد. نام او در کتب رجالی مشخص نشده است. ^{۹۱}

۳۷. سهل بن زیاد آدمی (ق ۳) : ضعیف و از اصحاب امام جواد، ^{۹۲} امام هادی ^{۹۳} و امام حسن عسکری (ع) است ^{۹۴} و یا امام عسکری (ع) به سال ۲۵۵ ق، به توسط محمد بن عبدالحمید عطار مکاتبه داشته است. ^{۹۵} شیخ طوسی، یک بار او را جزء «ثقات» ^{۹۶} و یک بار جزء «ضعفا» آورده ^{۹۷}؛ ولی دیگر رجالیان، او را تضعیف می‌کنند. ^{۹۸} احمد بن محمد بن عیسی، به دروغگویی و غالیگری وی شهادت داد و او را از قم اخراج کرد و وی نیز در ری سکونت اختیار کرد. ^{۹۹} او صاحب کتاب است. ^{۱۰۰}

۸۸. معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۸۹. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۵۲-۵۳.

۹۰. رجال ابن داود، ص ۱۴۹.

۹۱. اختیار معرفة الرجال (رجال الكثی)، محمد بن حسن الطوسی، صحّحه وعلق عليه: حسن المصطفوی، منشورات جامعه طهران، ۱۳۴۱ ش، ص ۵۷۹؛ رجال ابن داود، ص ۴۰۸-۴۰۹؛ رجال العلامه، ص ۱۹۷.

۹۲. رجال الطوسی، ص ۴۰۱؛ رجال الكثی، ص ۵۶۶.

۹۳. رجال الطوسی، ص ۴۱۶؛ رجال الكثی، ص ۵۶۶؛ رجال البرقی، ص ۵۸.

۹۴. مسند الامام العسکری (ع)، عزیزالله العطاردی، منشورات المؤتمر العالمي للامام الرضا (ع)، ۱۴۱ق، ص ۳۱۶-۳۱۷.

۹۵. رجال التجاوشی، ص ۱۸۵؛ رجال العلامه، ص ۲۲۸.

۹۶. رجال الطوسی، ص ۴۱۶.

۹۷. الفهرست، الطوسی، ص ۸۰.

۹۸. رجال التجاوشی، ص ۱۸۵؛ مجمع الرجال، ج ۳، ص ۱۸۰.

۹۹. رجال العلامه، ص ۲۲۸؛ رجال التجاوشی، ص ۱۸۵.

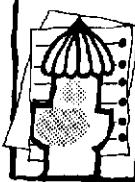
۱۰۰. الفهرست، الطوسی، ص ۸۱.

۳۸. ابوالخیر صالح بن ابی حمّاد رازی (ق۲)؛ حسن، امامی^{۱۰۱} و از اصحاب امام جواد،^{۱۰۲} امام هادی^{۱۰۳} و امام حسن عسکری(ع) است.^{۱۰۴} حدیث او سالم و ناسالم دارد و امر او، ملتبس است.^{۱۰۵} ابن غضائی او را تضعیف کرده^{۱۰۶} و فضل بن شادان از او رضایت داشته و او را مدح کرده است.^{۱۰۷} از کتابهای اوست: «خطب امیر المؤمنین(ع)» و «النواذر».^{۱۰۸}

۳۹. ابوالقاسم عبدالعظيم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب-ع-(ق۳)؛ حسن، عابد، زاهد و مورد رضایت علمای رجالی و از اصحاب امام هادی^{۱۰۹} و امام حسن عسکری(ع) است.^{۱۱۰} او به سبب اعتقادات شیعی، تحت تعقیب حکومت قرار گرفت و به ری آمد و در سرداب خانه‌یکی از شیعیان مخفی شد. او در آن سرداب، روزها را روزه می‌گرفت و شبها را به عبادت می‌گذراندو گاهی پنهانی به زیارت مزار یکی از فرزندان امام کاظم(ع) می‌رفت. بعد از مدتی، خبر اختفای او به یک یک شیعیان رسید^{۱۱۱} و آن سرداب، به محفل علمی شیعیان بدل گردید؛^{۱۱۲} اما طولی نکشید که او بیمار شد و از دنیا رحلت کرد.^{۱۱۳} وی کتابهایی نیز نگاشته^{۱۱۴} که از

نتیجه مقاله

۱۰۱. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۹۸.
۱۰۲. رجال الطوسي، ص ۴۰۲.
۱۰۳. همان، ص ۴۱۶.
۱۰۴. همان، ص ۴۳۲.
۱۰۵. رجال النجاشی، ص ۱۹۸؛ رجال العلامة، ص ۲۵ و ۲۳۰.
۱۰۶. معجم الرجال، ج ۳، ص ۲۰۳.
۱۰۷. رجال الكشی، ص ۵۶۶.
۱۰۸. الفهرست، الطوسي، ص ۸۴؛ رجال النجاشی، ص ۱۹۸.
۱۰۹. رجال ابن داود، ص ۲۲۶.
۱۱۰. رجال الطوسي، ص ۴۱۷.
۱۱۱. الفهرست، الطوسي، ص ۱۲۱.
۱۱۲. رجال النجاشی، ص ۲۴۸-۲۴۷.
۱۱۳. همان، ص ۲۴۹.
۱۱۴. الفهرست، الطوسي، ص ۱۲۱.



جمله آنهاست: «خطب امیر المؤمنین (ع)».^{۱۱۵}

۴۰. عبدالله بن احمد رازی (ق۳): علمای رجالی در وی توقف کرده و هیچ حکمی نداده‌اند.^{۱۱۶} محمد بن احمد بن یحیی، ازوی واوز بکر بن صالح، روایت می‌کند.^{۱۱۷}
۴۱. عبدالله بن محمد بن حماد رازی (ق۳): مجھول و از اصحاب امام جواد(ع) است.^{۱۱۸}

۴۲. عبدالله بن محمد بن علی بن عباس رازی تمیمی (ق۲): مسدوح^{۱۱۹} و از اصحاب امام رضا(ع) و صاحب نسخه‌ای از آن امام همام است.^{۱۲۰}
۴۳. عییدالله بن محمد رازی (ق۳): از اصحاب امام جواد(ع)^{۱۲۱} بوده است. محتمل است که او همان عبدالله بن محمد رازی باشد.

۴۴. عطیة بن نجیح رازی (ق۲): امامی، مجھول^{۱۲۲} و از اصحاب امام صادق(ع) است.^{۱۲۳}

۴۵. علاء بن حسن رازی (ق۳): حسن است.^{۱۲۴} در کتب رجالی نقل شده که رقه‌ای از ناحیه مقدسه از جانب امام عسکری(ع) صادر شده که توسط ابوحامد (که از بزرگان امامیه بوده) به علاء بن حسن رازی داده شده است.^{۱۲۵} ماقانی می‌گوید: این مطلب، گواه آن است که او از اُمنا و بزرگان شیعه است؛ و گرنه ابوحامد رقه را به وی

۱۱۵. رجال العلامة، ص ۱۳۰؛ رجال النجاشی، ص ۲۴۷.

۱۱۶. همان، ص ۲۳۸؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۶۷.

۱۱۷. رجال النجاشی، ص ۳۴۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۱۰۶.

۱۱۸. رجال الطوسي، ص ۴۰۳.

۱۱۹. رجال ابن داود، ص ۲۱۲.

۱۲۰. رجال النجاشی، ص ۲۲۸.

۱۲۱. التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۶.

۱۲۲. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۰۲.

۱۲۳. رجال الطوسي، ص ۲۶۴.

۱۲۴. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۰۴.

۱۲۵. معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۱۶ و ج ۱۱، ص ۱۶۶.

نمی داده است. ۱۲۶

۴۶. علی بن ابراهیم بن وراق رازی (ق۴) : حسن^{۱۲۷} و از مشایخ شیخ صدق است که صدق برایش طلب رحمت می کند. ^{۱۲۸} مامقانی می گوید: وی باید از شیعیان پاکی باشد که از توثیق، مستغنی اند.^{۱۲۹}

۴۷. ابوالقاسم علی بن احمد بن محمد بن عمران دقاق (ق۴) : ممدوح و از مشایخ شیخ صدق است که صدق از وی راضی است.^{۱۳۰}

۴۸. علی بن عباس جرادینی رازی (ق۳) : غالی و بسیار ضعیف^{۱۳۱} و صاحب کتابهایی است که از آنهاست: «فی الممدوحین والمذمومین» (گفته اند که این کتاب بر خبث طینت او گواه است)، «الآداب والمروات» و «الرد على السماانية» (سمانیه، طایفه ای از غلات بوده اند).^{۱۳۲}

۴۹. علی بن عثمان رازی (ق۲) : مهمل^{۱۳۳} و از اصحاب امام کاظم (ع) است.^{۱۳۴}

۵۰. علی بن عبدالله بن وراق رازی (ق۴) : ممدوح و از مشایخ صدق است که صدق از وی راضی است و بر او رخصت می فرستید.^{۱۳۵}

۱۲۶. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۵۶.

۱۲۷. همان، ج ۲، ص ۲۹۵.

۱۲۸. عيون أخبار الرضا(ع)، محمد بن علی الصدق، صحّحه: مهدی الحسینی اللاجوردی، جهان، ص ۶۴.

۱۲۹. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۵ و ۲۵۹؛ عيون أخبار الرضا(ع)، ص ۱۳۸.

۱۳۰. رجال النجاشی، ص ۲۵۵؛ مجمع الرجال، ج ۴، ص ۲۰۳؛ رجال ابن داود، ص ۵۴ و ۸۴؛ رجال العلامه، ص ۲۸۴.

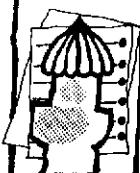
۱۳۱. مجمع الرجال، ج ۴، ص ۲۰۳؛ رجال العلامه، ص ۲۸۴.

۱۳۲. رجال النجاشی، ص ۲۵۵.

۱۳۳. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۰۸.

۱۳۴. مسند الامام الكاظم(ع)، عزیزالله العطاردی، ج ۳، ص ۴۷۰؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۹۲.

۱۳۵. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۹۷.



۵۱. ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم بن آبیان کلینی (ق۴۲)؛ ثقة، معروف به «علان» و از بزرگان امامیه است.^{۱۳۶} او برادرزاده احمد بن ابراهیم کلینی و دایی کلینی معروف^{۱۳۷} و از مشایخ اوست.^{۱۳۸} صاحب کتابهایی است که از جمله آنهاست: «أخبار القائم(ع)». او در سال ۳۲۸ ق، از جانب امام زمان(ع) اذن حج یافت. او را از این کار نهی کردند؛ اما وی حرکت کرد. و در راه مکه او را کشتند.^{۱۳۹} ابن اثیر، بعد از آوردن این خبر، او را از پیشوایان و علمای امامیه معرفی می‌کند.^{۱۴۰}

۵۲. علی بن نعمان رازی (ق۲)؛ مهمل^{۱۴۱} و از اصحاب امام صادق(ع) است.^{۱۴۲}

۵۳. علی خرزاز رازی (ق)؛ حسن،^{۱۴۳} متکلم، جلیل القدر، مأتوس با فقه و صاحب کتاب در علم کلام است. مقیم ری بود و در آنجا فوت کرد.^{۱۴۴}

۵۴. عمرو بن عثمان رازی (ق۲)؛ از اصحاب امام کاظم(ع) است.^{۱۴۵}

۵۵. ابو جعفر عیسی بن ماهان رازی (ق۲)؛ امامی،^{۱۴۶} مددوح^{۱۴۷} و از اصحاب

۱۳۶. رجال النجاشی، صن٠ ۲۶؛ رجال ابن داود، ص ۴۸؛ رجال العلامة، ص ۱۰۰.

۱۳۷. طبقات اعلام الشیعه، آقا نیزگ الطهرانی، تحقیق: علیقی مژروی، منشورات دارالکتاب العربي،^{۱۴۸} ابو جعفر عیسی بن ماهان رازی (ق۲)، ج ۱.

۱۳۸. الكافي، ج ۵، ص ۵۴۱.

۱۳۹. رجال النجاشی، ص ۲۶۰.

۱۴۰. الكامل في التاريخ، ابن اثیر، تحقيق مكتب التراث، الطبعة الرابعة، منشورات التاريخ العربي،^{۱۴۱} بیروت، ج ۸، ص ۲۴۶.

۱۴۱. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۱۰.

۱۴۲. معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۲۱۶.

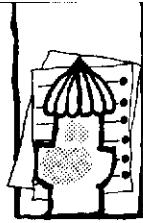
۱۴۳. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۰۶.

۱۴۴. الفهرست، الطوسي، ص ۱۰۰؛ رجال ابن داود، ص ۲۴۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۲،^{۱۴۲} ص ۱۰.

۱۴۵. مستند الامام الكاظم(ع)، ج ۳، ص ۴۸۳.

۱۴۶. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۲۰.

۱۴۷. رجال ابن داود، ص ۲۶۸.



امام صادق(ع) است. ۱۴۸

۵۶. قاسم بن محمد رازی (ق^۳) : مجهول و از سلسله روایت کلینی است. ۱۴۹

۵۷. محمد بن ابراهیم کلینی (ق^۴) : معروف به علان کلینی، حسن^{۱۵۰} و از فضلا و نیکان است. ۱۵۱

۵۸. محمد بن ابی زید رازی (ق^۳) : امامی، مجهول، ۱۵۲ اصلأ قمی و صحابی امام جواد(ع) است. ۱۵۳

۵۹. محمد بن احمد بن عبدالله / ابی عبدالله رازی (ق^۳) : احمد بن ادريس از او و او از جریر بن صالح، روایت می کند. ۱۵۴

۶۰. محمد بن احمد دوریستی (ق^۴) : فقیه، عالم و فاضل بوده است. پسرش جعفر از او و او از شیخ صدق، روایت می کند. ۱۵۵

۶۱. ابو عاصم محمد بن اسحاق بن عاصم برآد رازی (ق^۴) : ابن بابویه در «تاریخ ری» از او نام برده است و ابوالقاسم برادر رازی زراغه نقل می کند که او گفت: محمد بن اسحاق، حدیثی از من استماع کرد که می در شام از شیخ خود شنیده بودم و او خود مستقیماً از شیخ من روایت کرد. به او گفتم: «کجا این شیخ را ملاقات کردی؟». گفت: «در بغداد». در حالی که او دروغ می گفت و شیخ مذکور، هیچ زمانی به بغداد نرفته بود.

محمد بن اسحاق، در سال ۸۳ق، وفات یافت. ۱۵۶

۱۴۸. رجال الطوسي، ص ۲۵۷.

۱۴۹. الكافي، ج ۱، ص ۴۸۵.

۱۵۰. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۳۱.

۱۵۱. رجال الطوسي، ص ۴۹۶، رجال ابن داود، ص ۲۹۰، رجال العلامة، ص ۱۴۸.

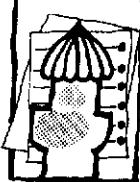
۱۵۲. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۳۱.

۱۵۳. رجال الطوسي، ص ۴۰۷، رجال البرقی، ص ۵۷، معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۲۴۳.

۱۵۴. معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۳۲۷ و ج ۱۶، ص ۱۰.

۱۵۵. مشایخ فقه و حدیث، عزیزالله العطاردی، چاپ اوّل، عطارد، ۱۳۷۳ش، ص ۱۴۱-۱۵۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۹.

۱۵۶. لسان المیزان، ج ۵، ص ۷۰۳.



۶۲. محمد بن اسماعیل رازی (ق۳)؛ مجھول^{۱۵۷} و از اصحاب امام جواد(ع)

است.^{۱۵۸}

۶۳. ابو جعفر محمد بن بکران بن عمران رازی (ق۴)؛ حسن^{۱۵۹} و از بزرگان امامیه و ساکن کوفه بوده است.^{۱۶۰} از کتابهای اوست: «الکوفة»، «موقع قبر امیر المؤمنین(ع)» و «شرف التربة».^{۱۶۱}

۶۴. ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری (ق۴)؛ رافضی و صاحب تالیفاتی است که از آنهاست: «كتاب الرواۃ عن أهل البيت(ع)». عبدالعزیز کتّانی، او را به رفض متهم کرده است. ابن بابویه در «تاریخ ری» از وی نام می‌برد و می‌گوید: او آملی بود؛ اما به ری رفت و در آنجا ساکن شد. او از بزرگان متكلّمان معتزله بود و صاحب تصانیف است. ابو محمد حسن بن حمزه رعینی از وی و او از ابوالفرج اصفهانی، روایت می‌کند.^{۱۶۲}

۶۵. محمد بن جعفر بن عون اسدی (ق۳و۴)؛ ثقه و صحیح الحدیث است؛ ولی از ضعفاروایت می‌کند و گویند به جبر و تشبیه اعتقاد داشته است.^{۱۶۳} نقل شده که وی یکی از نواب امام زمان(ع) است.^{۱۶۴} برقی او را از اصحاب امام صادق(ع) دانسته^{۱۶۵}؛ ولی سال وفات وی ۳۱۲ ق، است^{۱۶۶} و محل است هم عصر امام

. ۱۵۷. تتفیع المقال، ج ۲، ص ۸۲.

. ۱۵۸. الکافی، ج ۴، ص ۱۶۹.

. ۱۵۹. تتفیع المقال، ج ۱، ص ۱۳۳.

. ۱۶۰. رجال النجاشی، ص ۳۹۴؛ رجال ابن داود، ص ۳۰۰.

. ۱۶۱. رجال النجاشی، ص ۳۹۴.

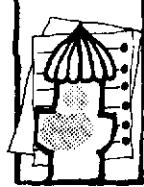
. ۱۶۲. لسان العیزان، ج ۵، ص ۷۶۲.

. ۱۶۳. رجال النجاشی، ص ۳۷۳؛ رجال ابن داود، ص ۳۲، ص ۱۵۰ و ۵۴۹؛ رجال العلامه، ص ۱۶۰.

. ۱۶۴. رجال الطوسي، ص ۴۹۶؛ رجال ابن داود، ص ۳۰۲.

. ۱۶۵. رجال البرقی، ص ۲۰.

. ۱۶۶. رجال النجاشی، ص ۳۷۳؛ رجال العلامه، ص ۲۷۵.



ادق(ع) بوده باشد. صاحب کتابهایی است که از آنهاست: «الرَّدُّ عَلَى أَهْلِ الْإِسْتِطَاعَةِ»^{۱۶۷} یا «الجبر والاستطاعة».^{۱۶۸}

۶۶. محمد بن حَسَان رازی (ق۳): ضعیف و حدیث او «بینایین» است.^{۱۶۹} از اصحاب امام هادی(ع)^{۱۷۰} و صاحب کتابهایی است، از جمله: «ثواب القرآن»،^{۱۷۱} «العقاب»، «ثواب آن از لذت»، «ثواب الاعمال»، «الشيخ والمشیخة».^{۱۷۲}

۶۷. محمد بن حسن رازی (ق۲): مجھول و از سلسله روات شیخ طوسی است.^{۱۷۳}

۶۸. ابوالعباس محمد بن خالد رازی (ق۳): امامی، مجھول^{۱۷۴} و از اصحاب امام هادی(ع) است.^{۱۷۵}

۶۹. محمد بن سهل بَجْلَی رازی (ق۲): از اصحاب امام رضا(ع) است.^{۱۷۶}

۷۰. ابوجعفر محمد بن عبد الرحمن بن قَبَّہ رازی (ق۴): ثقه^{۱۷۷} و از متكلمان حاذق و عظیم القدر و همچنین شیخ امامیه در زمان خودش بوده است.^{۱۷۸} در مباحثات کلامی، قوی بوده است. ابتداء معتبری بوده و سپس مذهب امامیه را اختیار کرده

۱۶۷. الفهرست، طوسی، ص ۱۵۱.

۱۶۸. رجال النجاشی، ص ۳۷۳.

۱۶۹. همان، ص ۳۲۸؛ رجال ابن داود، ص ۵۴۷-۵۰۲؛ رجال الطوسی، ص ۵۰۶؛ رجال العلامة، ص ۲۵۵.

۱۷۰. رجال الطوسی، ص ۴۲۵.

۱۷۱. الفهرست، الطوسی، ص ۱۴۷.

۱۷۲. رجال النجاشی، ص ۳۳۸.

۱۷۳. التهذیب، ج ۶، ص ۲۰.

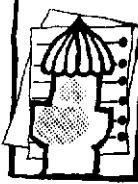
۱۷۴. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۳۶.

۱۷۵. رجال الطوسی، ص ۴۲۴.

۱۷۶. همان، ص ۲۸۹.

۱۷۷. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۳۹.

۱۷۸. رجال العلامة، ص ۱۴۳.



است.^{۱۷۹} وی صاحب کتبی است که از آنهاست: «الانصاف فی الامامة»، «التعریف (الرد) علی الزیدیة»، «الرد علی ابی علی الجبائی»، «المسألة المفردة فی الامامة»، «المشتبت»، «نقض کتاب ابی القاسم البخی».^{۱۸۰}

راوی بنام، ابوالحسین، از ثقات نقل می کند که کتاب ابوجعفر را نزد ابوالقاسم بلخی برد؛ نقض بر آن نوشته. به ری آمد و نقض را به ابوجعفر دادم و او نقضی بر آن نقض نوشته. سپس دوباره نقض وی را به بلخی باز گرداندم؛ نقضی بر آن نوشته. وقتی به ری باز گشتم، ابوجعفر فوت کرده بود.^{۱۸۱}

۷۱. ابوجمفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (ق^۴) : ثقة، جلیل القدر، حافظ احادیث بسیار، بصیر به علم رجال و نقاد خبر بوده است و در کثرت علم و حفظ احادیث در میان قمی ها مانند تداشته است.^{۱۸۲}

سال ولادت وی در کتب نیامده؛ اما گمان می رود که در دهه اوّل قرن چهارم و به قولی سال ۳۰۶ق، بوده است. پدرش، از علمای بزرگ و از متّقی ترین مردم زمان خود بود. او و پدرش هر دو به «صدوقی» و «ابن بابویه» مشهور بوده اند؛ اما متأخران، پدر را «صدقوی اول» و «ابن بابویه قمی» (مدفون قم) خوانده اند.

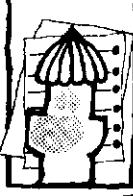
وی در سال ۳۳۸ق، به دعوت اهالی ری از قم بدانجا هجرت کرد (که نشان از رشد و گسترش تفکر شیعی در آن شهر دارد) و تا سال ۳۵۲ق، در ری سکونت داشت و سپس از ملک رکن الدوله بویه برای زیارت امام رضا(ع) اجازه گرفته، به خراسان رفت؛ از طوس به نیشابور سفر کرد و از تمام مشایخ آنجا استماع حدیث نمود. در همان سال، به بغداد رفت، از تمام مشایخ آن شهر نیز استماع حدیث کرد. سپس در سال ۳۵۴ق، وارد کوفه شد و از مشایخ آنجا نیز حدیث شنود و به قصد حج، راهی حرمین شد و پس از سفر حج نیز به

. ۱۷۹. الفهرست، الطوسي، ص ۱۳۲؛ رجال النجاشي، ص ۳۷۵؛ رجال ابن داود، ص ۲۲۱.

. ۱۸۰. همان، ص ۱۳۲؛ رجال النجاشي، ص ۳۷۵.

. ۱۸۱. رجال النجاشي، ص ۱۳۲؛ رجال العلامه، ص ۱۴۳.

. ۱۸۲. رجال الطوسي، ص ۴۹۵؛ رجال ابن داود، ص ۳۲۴؛ رجال العلامه، ص ۱۴۷.



همدان رفت و از شیوخ تمامی این شهرها اخذ حدیث کرد.^{۱۸۳}

ابوجعفر در سال ۳۵۵ق، بار دیگر به بغداد رفت. ابن داود و علامه حلی نوشه اند که در این سال، تمام شیوخ امامیه در بغداد از او استماع حدیث کردند.^{۱۸۴} در سالهای ۳۶۷ و ۳۶۸ق، دوبار به زیارت امام رضا(ع) رفت و سپس در سفرش به مأواه النهر، در بلخ و سرخس و ایلاق، توقف نمود و از مشایخ این شهرها حدیث شنید.

کتابهای تالیفی او را حدود سیصد جلد نوشته اند.^{۱۸۵} کثرت مسافرتها و کتب او، نشانی از روح بلند و همت عالی و کم نظیر او دارد. فهرست کتابهای او در «الرجال» نجاشی^{۱۸۶} «الفهرست» شیخ طوسی^{۱۸۷} آمده است. ابوجعفر صدوق به سال ۳۸۱ق، وفات یافت.^{۱۸۸}

۷۲. محمد بن عقیل کلینی (ق۳) : مجہول و از مشایخ کلینی است.^{۱۸۹}

۷۳. محمد بن محمد بن عاصم کلینی (ق۴) : مجہول، از راویان کلینی و از مشایخ شیخ صدوق است (صدوق، روایات کلینی را به واسطه او نقل می کند).^{۱۹۰}

۷۴. محمد بن هیثم عجلی رازی (ق۳) : ثقه و اهل ری است. او پدر احمد و پدر بزرگ حسن، از علمای ثقة امامیه است.^{۱۹۱}

۱۸۳. الامال للصدقون، الأعلمی، منشورات مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت-لندن، ۱۹۸۰م، ص۸-۵ و ۱۰ (المقدمة).

۱۸۴. رجال ابن داود، ص۳۲۴؛ رجال العلامة، ص۱۴۷.

۱۸۵. الفهرست، طوسی، ص۱۵۶؛ رجال النجاشی، ص۳۸۹؛ رجال ابن داود، ص۳۲۴؛ رجال العلامة، ص۱۴۷.

۱۸۶. رجال النجاشی، ص۳۸۹-۳۹۲.

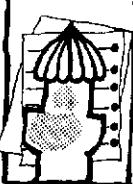
۱۸۷. الفهرست، الطوسی، ص۱۵۷.

۱۸۸. رجال ابن داود، ص۳۲۴.

۱۸۹. الكافی، ج۴، ص۲۲۴.

۱۹۰. عيون اخبار الرضا(ع)، ص۱۲۰.

۱۹۱. معجم رجال الحديث، ج۱۸، ص۳۴۵.



۷۵. محمد بن بزداد رازی (ق^۳) : حسن^{۱۹۲} و از اصحاب امام عسکری (ع)^{۱۹۳} بوده و روایات قابل قبولی دارد.^{۱۹۴}

۷۶. ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (ق^۳و^۴) : ثقه، شیخ و بزرگ امامیه در زمان خود و در علم حدیث، موثق ترین و در ثبت آن، دقیق ترین فرد بوده است.^{۱۹۵}

کلینی، صاحب کتابهایی است که از آن جمله است : «الكافی» که از ارکان چهارگانه حدیث شیعه است و علمای بزرگ شیعه، در طول تاریخ، این کتاب را بر کتب شیعه برتری داده‌اند. وی این کتاب را در طول بیست سال نوشته که مشتمل بر سه بخش (الأصول، الفروع، الروضۃ) است. از دیگر کتب وی است : «الرد علی القرامطة»، «العبیر الرؤباء»،^{۱۹۶} «رسائل الأئمۃ(ع)»، «الرجال»، «ما قيل في الأئمۃ(ع) من الشعر»^{۱۹۷} است. وی در سال ۳۱۸ یا ۳۲۹ق (سال تنازع نجوم)، وفات یافت.^{۱۹۸}

۷۷. محمد بن یوسف مقری رازی (ق^۳) : حسن است^{۱۹۹} و ظاهراً نجاشی به او اعتماد دارد.^{۲۰۰} احمد بن محمد بن سعید به سال ۲۸۱ق، از او روایت می‌کند.^{۲۰۱}

۷۸. ابو القاسم مخلدین موسی رازی (ق^۳و^۴) : مهمل است^{۲۰۲} و با امام زمان (ع) مکاتبه داشته است.^{۲۰۳}

. ۱۹۲. تتفییح المقال، ج ۱، ص ۱۴۶.

. ۱۹۳. رجال الطوسي، ص ۴۳۶.

. ۱۹۴. رجال الكثيسي، ص ۵۳۰؛ رجال ابن داود، ص ۳۴۱-۳۸۸؛ رجال العلامة، ص ۱۵۳.

. ۱۹۵. رجال الطوسي، ص ۴۹۵؛ رجال التجاشی، ص ۳۷۷؛ رجال ابن داود، ص ۳۴۱؛ رجال العلامة، ص ۱۴۵.

. ۱۹۶. الفهرست، الطوسي، ص ۱۳۵.

. ۱۹۷. رجال التجاشی، ص ۳۷۷.

. ۱۹۸. الفهرست، الطوسي، ص ۱۳۵.

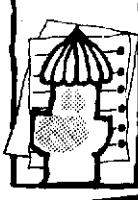
. ۱۹۹. تتفییح المقال، ج ۱، ص ۱۴۷.

. ۲۰۰. همان، ج ۱، ص ۲۰۱.

. ۲۰۱. معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۶۸.

. ۲۰۲. تتفییح المقال، ج ۱، ص ۱۴۷.

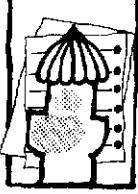
. ۲۰۳. الكافی، ج ۴، ص ۵۳۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۱۶۰؛ تتفییح المقال، ج ۳، ص ۲۰۷.



٧٩. ابوالحسن منصور بن عباس رازی (ق٣) : مضطرب الامر^{۲۰۴} و از اصحاب امام جواد و امام هادی(ع) است.^{۲۰۵} او صاحب کتاب معروف «النوادر» است.^{۲۰۶}
٨٠. موسی بن ابی الحسن رازی (ق٢) : مجھول و از اصحاب امام رضا(ع)^{۲۰۷} است.
٨١. موسی بن نصر رازی (ق٢) : مجھول و از اصحاب امام رضا(ع)^{۲۰۸} است.
٨٢. نعمان رازی (ق٢) : امامی، مجھول^{۲۰۹} و از اصحاب امام صادق(ع)^{۲۱۰} است.
٨٣. ولید بن آبان ضبّی رازی (ق٢) : امامی، مجھول^{۲۱۱} و از اصحاب امام رضا(ع)^{۲۱۲} است.
٨٤. هشام بن مثنی رازی (ق٢) : مجھول^{۲۱۳} و از اصحاب امام صادق(ع)^{۲۱۴} است.
٨٥. یحیی بن ابی بکر رازی (ق٣) : امامی و مجھول است.^{۲۱۵} وی نایبنا بوده و از اصحاب امام هادی(ع) است.^{۲۱۶}



٢٠٤. رجال النجاشی، ص ٤١٣، رجال ابن داود، ص ٥٢٠ و ٥٢٧ و ٥٣٧؛ رجال العلامة، ص ٢٥٩.
٢٠٥. معجم رجال الحديث، ج ١٨، ص ٣٥١.
٢٠٦. رجال النجاشی، ص ٤١٣.
٢٠٧. مستند الامام الرضا(ع)، ج ٢، ص ٥٥٣-٥٥٢.
٢٠٨. همانجا.
٢٠٩. تنقیح المقال، ج ٣، ص ٢٧٢.
٢١٠. رجال الطوسي، ص ٣٢٥؛ الكافئي، ج ٢، ص ١٤؛ رجال البرقى، ص ٤٤؛ معجم رجال الحديث، ج ١٩، ص ١٧٠-١٧١.
٢١١. تنقیح المقال، ج ١، ص ١٦٠.
٢١٢. رجال الطوسي، ص ٣٩٤؛ رجال البرقى، ص ٥٤؛ مستند الامام الرضا(ع)، ج ٢، ص ٥٥٣.
٢١٣. تنقیح المقال، ج ١، ص ١٦٣.
٢١٤. رجال الطوسي، ص ٣٣٢.
٢١٥. تنقیح المقال، ج ١، ص ١٦٤.
٢١٦. رجال الطوسي، ص ٤٢٦.



۸۶. ابو جعفر یحیی بن علاء بَحْلَی رازی (ق۲) : ثقه و اصالتاً کوفی است. ^{۲۱۷} او از اصحاب امام صادق (ع) ^{۲۱۸} و صاحب کتاب است. ^{۲۱۹}

۸۷. یحیی بن محمد بن سدید / سیبویه رازی (ق۲) : مجھول و از سلسله روایت شیخ طوسي است. ^{۲۲۰}

۸۸. ابو زکریا یحیی بن محمد رازی : (ق۲) : مجھول و از سلسله روایت شیخ طوسي است. ^{۲۲۱}

نتیجه گیری

به نظر می‌رسد فضای مناسبی که در فاصله زمانی براندازی امویان و روی کار آمدن عباسیان، قیام زید بن علی (ع) و در پی آن، قیام فرزندش یحیی در خراسان و حمایت گسترده ایرانیان از آنها (از جمله شرکت مردمانی از ری در قیام زید ^{۲۲۲})، تبلیغات وسیع داعیان عباسی در فراخوانی به پیروی از آل محمد (ص) و نهایتاً قیامهای شیعی، همچون قیام عبدالله بن معاویه، ^{۲۲۳} زمینه سیار مساعدی را برای گسترش تشیع در ایران فراهم آورد. ری نیز از این قاعده مستثنی نبود و ارتباط و پیوند اهالی ری با ائمه امامیه (ع) که در زمان امام باقر (ع) با وجود یک صحابی رازی ایجاد گردیده بود، در سطح وسیعتری ادامه یافت و در زمان امام صادق (ع) تعداد صحابیان رازی به ده تن رسید که نشان از نفوذ تشیع

. ۲۱۷. رجال النجاشی، ص ۴۴۴؛ رجال ابن داود، ص ۳۷۵؛ رجال العلامة، ص ۱۸۲.

. ۲۱۸. رجال الطوسي، ص ۲۳۳؛ رجال البرقی، ص ۳۱.

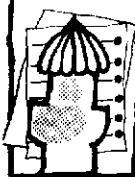
. ۲۱۹. رجال النجاشی، ص ۴۴۴.

. ۲۲۰. رجال الكشی، ص ۴۳۷.

. ۲۲۱. همان، ص ۵۸۸.

. ۲۲۲. مقاتل الطالبيين، ابو الفرج الاصفهاني، شرح و تحقيق: السيد احمد صقر، الطبعة الاولى، منشورات الشيريف الرضي، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۲.

. ۲۲۳. ثُرُ الدَّرَّ، ابو سعيد منصور الحسینی الائی، تحقيق: محمد علی قرنة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ج ۱، ص ۴۲۷.



در این شهر و پیدایش زمینه نشر افکار امامیه دارد.

گزارشی از وجود حاکمی شیعی مذهب در ری در عصر امام کاظم(ع) که شیعیان آن حضرت را تحت حمایت خود داشته است، در کتاب «قضاء حقوق المؤمنين»، تالیف قرن ششم هجری وجود دارد.^{۲۲۴} هر چند در این کتاب، نام این حاکم ذکر نگردیده؛ ولی در صورت صحبت خبر، وجود چنین شخصی در رأس حکومت شهر ری، می‌توانسته به پیشرفت فزاینده تشیع در این شهر، بسیار کمک کند و موقعیت مطلوبی را برای شیعیان فراهم آورد.

مجموعاً پنج نفر از صحاییان امام کاظم(ع)، رازی هستند که با توجه به محدودیت‌ها و فضای بسته سیاسی زمان و نوپایی نهال تشیع در ری، منطقی به نظر می‌رسد. با ورود امام رضا(ع) به ایران و تصدی ولایت عهدی مامون و حمایت آشکار مامون از عقاید معترضی و شیعی، تشیع در تمامی مناطق ایران رشد و گسترش یافت. وجود یازده صحابی رازی در جمع اصحاب امام رضا(ع)، زمینه مساعدی را برای نشر احادیث آن امام در ری فراهم ساخت و ارتباط این شهر را با ائمه(ع)، به اوج خود رسانید.

در میان اصحاب جواد الائمه(ع) به نفع صحابی رازی برمی‌خوریم. پیوستگی ارتباطات اهل ری با ائمه(ع) در زمان امام هادی(ع) به عمق یافتن اعتقادات شیعیان ری و استواری تشیع امامیه در این شهر انجامید. از بین صحاییان امام هادی(ع)، ده نفر رازی هستند که با احتساب عبدالعظیم حسنی (که پناهنه شدن وی به این شهر، خود نشان از وجود یارانی وفادار به او و همچنین پایگاه قابل اعتماد شیعیان در این شهر دارد) به یازده نفر می‌رسد. وجود یکی از نواب و ولایت مورد ثوق امام هادی(ع) در ری، خود دلیلی بر این مدعّاست.

در زمان امام عسکری(ع) که به واسطه گسترش تشیع در جهان اسلام، امام شدیداً تحت نظر بودند (و حتی معتمد عباسی سعی داشت با کشتن فرزندی که قرار بود برای امام به دنیا بیاید، ریشه امامت را خشک کند) تعداد صحاییان رازی امام به شش نفر می‌رسد.

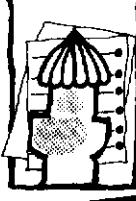
در زمان غیبت صغیر ای امام زمان (عج) نیز دو تن که یکی از نواب و ولای امام زمان است (بานام محمد بن جعفر اسدی) و دیگری از مکاتبه کنندگان با امام (با نام مخلد بن موسی رازی) ارتباط مستقیمی با ناحیه مقدسه داشته‌اند.

در مجموع، شهر ری با احتساب ۴۴ صحابی، بعد از شهر قم با حدود ۱۴۰ صحابی،^{۲۲۵} بالاترین ارتباط و پیوند را با ائمه امامیه (ع) در سرزمین‌های شرقی خلافت داراست.^{۲۲۶} شاید بتوان گفت که علت اصلی نسبتها ناصبی‌گری و افراطی‌گری که به مردمان ری در قرون موربد بحث داده می‌شود، نزدیکی این شهر به قم (پایگاه تشیع) بوده است؛ چرا که در کنار مرکز جهان تشیع در قرن سوم، وجود شهری که مردم آن غالباً سنی مذهب بوده‌اند، بیشتر نمود داشته تا شهرهای بزرگ دیگر که از مرکز تشیع، دور بوده‌اند. اما از لحاظ روند تکوین و گسترش تشیع امامیه در شهر ری، با تکیه بر شمار محدثان در قرون یک، دو، سه و چهار، باید گفت: در قرن اول هجری، هیچ نشانی از تشیع در ری وجود ندارد؛ اما از مجموع ۸۸ نفر محدثان و صحابیان اهل ری، سی نفر (۳۴/۰۹ درصد) متعلق به قرن دوم هجری،^{۲۲۷} ۳۱ نفر (۲۲/۳۵ درصد) متعلق به قرن سوم هجری و ۲۵ نفر (۴۰/۲۸ درصد) متعلق به قرن چهارم هجری هستند (رجوع شود به نمودار آنی).^{۲۲۸}

۲۲۵. «علماء و خاندانهای امامی جبال و خراسان» (پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ)، محمد حاج تقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، زمستان ۱۳۷۵.

۲۲۶. شهر نیشابور که بزرگترین شهر سرزمین‌های شرقی خلافت و یکی از مهمترین مراکز فرهنگی قرون نخستین اسلامی بوده است، بیش از بیست صحابی ندارد (ر. ک: «علماء و خاندانهای امامی جبال و خراسان»).

۲۲۷. متاسفانه تاریخهای محلی ری که مهمترین منبع اطلاعاتی در مورد بافت علمی شهر و نام و نشان علمای آن است، از بین رفته‌اند. کتاب «تاریخ ری» شیخ متتجنب الدین، دانشمند قرن ششم، کلام از بین رفته و فقط قسمتها کوتاهی از آن در «طبقات الشافعیة» سُبْکی و «السان المیزان» این حجر آمده است (ر. ک: مقالات تاریخی، رسول جعفریان، دفتر دوم). در این مقاله از این مختصر استفاده شده است. لذا شاید یکی از دلایل افت نسبی علمای قرن چهارم نسبت به قرن دوم و سوم در ری، نابودی منابع اطلاعاتی باشد و شاید در قرن دوم و سوم، به دلیل پیوند علماء با ائمه (ع) در کتب رجالی و غیر آن، نام ایشان بیشتر مضبوط مانده است.



از لحاظ میزان اعتبار عقیدتی و علمی و التزام محدثان و عالمان قمی به مذهب امامیه، در قرون مذکور، وضعیت بدین قرار است: از مجموع ۸۸ محدث، شانزده نفر تقه (۱۸/۱۸ درصد)، پانزده نفر حسن (۰۴/۱۷ درصد)، یک نفر امامی ممدوح (۱۳/۱ درصد)، پنج نفر ممدوح (۶۸/۵ درصد)، دو نفر شیخ الامامیه (۲۷/۲ درصد)، یک نفر متقدی و نیک (۱۳/۱ درصد)، یک نفر فقیه و فاضل و عالم (۱۳/۱ درصد)، هفت نفر امامی و مجہول (۹۵/۷ درصد)، نوزده نفر مجہول (۵۹/۲۱ درصد)، پنج نفر ضعیف (۶۸/۵ درصد) چهار نفر مهمل (۵۴/۴ درصد)، دو نفر غالی (۲۷/۲ درصد)، یک نفر مضطرب الامر (۱۳/۱ درصد)، یک نفر رافضی (۱۳/۱ درصد)، یک نفر کاذب (۱۳/۱ درصد).

